اختصاصی خراسان

اعترافات بلاگر معروف مشهدی و پسری که شوهر او را کشت

کلیک جنایت در مرداب عاشقی مجازی!

سید خلیل سجادپور- زمانی به هویت واقعی آن دختر در فضای مجازی پی بردم و فهمیدم که او زنی متاهل و دارای فرزند است که دیگر «عاشق» شده بودم و در مرداب این عشق مجازی دست و پا می‌زدم...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این‌ها بخشی از اعترافات پسر ۲۴ ساله‌ای است که در پی عشقی هوس‌آلود، شوهر بلاگر معروف مشهدی را با همدستی وی به قتل رساند و جسد او را به آتش کشید تا صحنه جنایت را «خودسوزی» جلوه دهند.

عاملان این جنایت هولناک که به دستور قاضی ویژه قتل عمد مشهد برای بازسازی صحنه قتل به ساختمان ۲ طبقه‌ای در بولوار نبوت هدایت شده بودند، در محل وقوع جنایت مقابل دوربین قوه قضاییه ایستادند تا ناگفته‌های این قتل وحشتناک را باز گویند. در آغاز بازسازی صحنه جنایت، ابتدا سروان عظیمی مقدم (افسر پرونده) به تشریح خلاصه‌ای از اعترافات و اظهارات متهمان در مراحل بازجویی پرداخت و سپس «قاضی محمود عارفی‌راد» با تفهیم مواد قانونی به متهمان، از آنان خواست مواظب اظهارات خود باشند و حقیقت ماجرا را بیان کنند چرا که اظهارات آنان در دیگر مراحل دادرسی مورد استناد قرار می‌گیرد.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است، پس از ارشاد و نصایح مقام قضایی، ابتدا پسر جوان در شرح جزئیات این جنایت تکان‌دهنده گفت: از حدود یک سال قبل هنگام جست‌وجو در شبکه اجتماعی اینستاگرام با دختری آشنا شدم که «بلاگر» بود. خیلی زود با او ارتباط برقرار کردم ولی نمی‌دانستم که آن دختر هویت واقعی خود را در فضای مجازی پنهان کرده است. تصورم این بود که آن دختر زیبا مجرد است! به همین دلیل ارتباط عاشقانه‌ام را با او ادامه دادم ولی «ف-ز» در حالی هویت خود را آرام آرام آشکار کرد که دیگر دیر شده بود و من به او دل باخته بودم! هنگامی متوجه شدم که او متاهل است و یک فرزند دختر دارد که در مرداب عاشقی مجازی دست و پا می‌زدم و نمی‌توانستم او را رها کنم! در این شرایط «ف-ز» هم از مشکلات خانوادگی‌اش برایم سخن می گفت و مدعی بود که همسرش را دوست ندارد و با یکدیگر اختلافات شدیدی دارند به حدی که کارشان به کتک کاری می‌کشد!

از سوی دیگر من که وابستگی زیادی به آن زن جوان پیدا کرده بودم، به نصیحت او پرداختم تا از طریق قانونی طلاق بگیرد! حتی برای گرفتن طلاق پیگیری هم می‌کردم، اما «ف-ز» دوست داشت علاوه بر طلاق حق و حقوق قانونی را هم از همسرش بگیرد که به همین دلیل ماجرای طلاق آن‌ها به طول انجامید. در این میان او مدام سختی‌ها و رنج‌هایش را برایم بازگو می‌کرد تا این که بالاخره پیشنهاد قتل شوهرش را مطرح کرد. اگر چه ابتدا مخالف بودم و سعی می‌کردم او را از این ماجرا منصرف کم‌ولی در نهایت با اصرارهایش پذیرفتم و این گونه دسیسه قتل را طراحی کردیم. ابتدا قصد داشتم شوهر «ف-ز» را با نوعی گاز شیمیایی به قتل برسانم تا کسی متوجه جنایت نشود! به همین دلیل همه جوانب را با یکدیگر بررسی کردیم، اما وقتی در نیمه‌های شب وارد منزل ویلایی شدم و به طبقه دوم رفتم، تازه فهمیدم که تلاش‌هایم برای اجرای این نقشه بی‌فایده بوده، چرا که آن گاز در فضا منتشر شده بود، اما نتیجه‌ای برای قتل نداشت. این بود که شوهر ۳۲ ساله «ف-ز» متوجه ماجرا شد و من به ناچار با دستانم گلویش را در رختخواب فشردم و او را خفه کردم. سپس در کنار جسد نشستیم و نقشه دیگری برای پنهان ماندن جنایت کشیدیم. قرار شد از موضوع اختلافات خانوادگی «ف-ز» استفاده کنیم و با آتش زدن جسد، طوری صحنه سازی کنیم که دیگران ماجرا را «خودسوزی» تصور کنند. با این نقشه، خانه و جسد را به آتش کشیدیم و هر دو از خانه بیرون رفتیم که چند ساعت بعد هم کارآگاهان مرا دستگیر کردند و با دیدن «ف-ز» فهمیدم که همه چیز لو رفته است.

متهم در حال توضیح نحوه سوزاندن جسد

بنا بر گزارش روزنامه خراسان، پس از آن که «عماد» (پسر ۲۴ ساله) به طور ظاهری در حضور قاضی «عارفی‌راد» چگونگی وقوع جنایت و به آتش کشیدن جسد را بازسازی کرد، «ف-ز» نیز مقابل دوربین قوه قضاییه ایستاد و با معرفی کامل خود گفت: نقشه قتل را به طور مشترک طرح کردیم چرا که من دیگر نمی‌توانستم رفتارهای خشن همسرم را تحمل کنم و از سوی دیگر با «عماد» در فضای مجازی آشنا شده بودم و قصد ازدواج با یکدیگر را داشتیم. این بود که تعدادی قرص خواب‌آور را پودر کردم و درون کپسول‌های آنتی بیوتیک ریختم، چرا که همسرم سرماخوردگی داشت و من با همین بهانه، داروهای خواب‌آور را به او خوراندم و منتظر ماندم تا به خواب برود! در نیمه‌های شب هم به «عماد» موضوع را خبر دادم که او خود را به منزل رساند، اما وقتی از قتل با گاز شیمیایی نتیجه‌ای نگرفت، ناگهان همسرم بیدار شد و با هم گلاویز شدند. من که اوضاع را این گونه دیدم به کمک «عماد» رفتم و دست و پاهای همسرم را گرفتم که بعد هم «عماد» او را با دستانش خفه کرد. سپس نقشه دیگری کشیدیم و جسد را جا به جا کردیم تا خانه را همراه جسد آتش بزنیم که ماجرا «خودسوزی» جلوه کند. به همین دلیل من حدود ساعت ۷ صبح دخترم را از طبقه پایین برداشتم و به منزل پدرم بردم و به آن‌ها گفتم که قصد دارم برای درمان بیماری زنانه به بیمارستان امام حسین(ع) بروم! با این ترفند دوباره به خانه‌ام بازگشتم و یک بطری پیدا کردم که «عماد» با آن از موتورسیکلت همسرم بنزین بکشد. البته در مسیر بازگشت یک فندک هم از مغازه خریده بودم.

هنگامی که با ریختن بنزین، منزل آتش گرفت، هر دو نفر از خانه بیرون آمدیم که بعد هم با تماس همسایگان که منزلم آتش گرفته به خانه بازگشتم، اما وقتی قاضی ویژه قتل عمد به صحنه جنایت رسید، اول به سراغ من آمد و با پرسیدن چند سوال دستور بازداشت مرا صادر کرد. آن جا بود که فهمیدم قاضی متوجه ساختگی بودن صحنه قتل شده است و دیگر نتوانستم حقیقت را کتمان کنم!

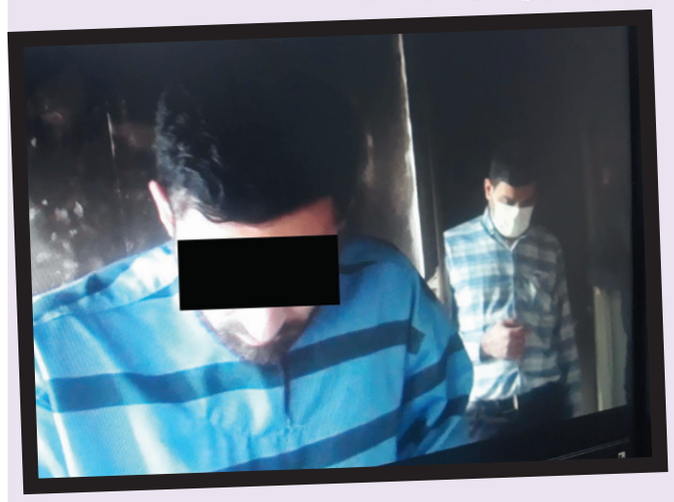

به گزارش روزنامه خراسان، با پایان یافتن بازسازی صحنه جنایت و دستور قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، متهمان روانه زندان شدند تا این پرونده نیز دیگر مراحل دادرسی را طی کند.

سابقه خبر

براساس گزارش روزنامه خراسان، صبح بیست و پنجم اسفند سال گذشته، هنگامی که آتش نشانان مشهد شعله‌های آتش در یک منزل مسکونی واقع در بولوار نبوت را خاموش کردند، ناگهان جسد مردی ۳۲ ساله در میان دودهای سیاه و سفید نمایان شد که بخش زیادی از پیکر وی سوخته بود. طولی نکشید که با حضور قاضی «محمود عارفی‌راد» (قاضی ویژه قتل عمد) در صحنه کشف جسد، تحقیقات آغاز شد و در همان بررسی‌های مقدماتی، زنگ جنایت به صدا درآمد چرا که بر اساس تجربیات مقام قضایی، چگونگی سوختن جسد و کانون شعله‌های آتش، حکایت از یک قتل نخ‌نما داشت، بنابراین قاضی ویژه پرونده‌های جنایی با فرضیه قتل خانوادگی، ابتدا دستور بازداشت همسر مقتول را در حالی صادر کرد که فقط به چند سوال فنی و انحرافی مقام قضایی پاسخ داد. ساعتی بعد زن ۲۶ ساله که دیگر نمی‌توانست حقیقت ماجرا را پنهان کند، لب به اعتراف گشود و از این جنایت با همدستی پسری به نام «عماد» را فاش کرد.

در امتداد تاریکی

موادفروش هوسران!

از روزی که معتاد شده بودم، به دور از چشمان شوهرم به خانه خرده‌فروش موادمخدر می‌رفتم تا از او «شیشه» بخرم ولی او که می‌دانست همسرم از اعتیاد من خبر ندارد، آرام آرام نگاه‌های هوس‌آلودش را به چشمانم دوخت و....

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن جوان با بیان این که دیگر نمی‌توانم تهدیدهای فروشنده موادمخدر را تحمل کنم، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: با آن که پدرم یک کارگر ساده ساختمانی بود، اما هیچ‌گاه در زندگی مشکلی را احساس نکردم. او شبانه‌روز تلاش می‌کرد تا من و ۵ خواهر و برادر دیگرم سختی‌های زندگی را تجربه نکنیم ولی متاسفانه او به بیماری سرطان دچار شد و در سال ۱۳۸۰ جان باخت. از آن روز به بعد مادرم سرپرستی ما را به عهده گرفت و با کارگری در خانه‌های مردم مخارج ما را تامین می‌کرد. با وجود این، من که در آن زمان ۱۵ سال بیشتر نداشتم در کنار دیگر خواهرانم به خیاطی روی آوردم تا کمک خرج خانواده‌ام باشم، چرا که پدرم بیمه نبود و درآمدی هم نداشت. از سوی دیگر، منزلمان را در حاشیه شهر برای هزینه‌های درمان پدرم فروخته بودیم و حتی به بستگان و آشنایان هم مبالغی مقروض بودیم. با همه این مشکلات، من به تحصیل ادامه دادم و تا مقطع دیپلم درس خواندم. بعد از آن بود که با «فریدون» ازدواج کردم. او در شرکت گاز کار می‌کرد و یکی از بستگان دور مادرم بود. اگر چه مانند خیلی از زوج‌های جوان گاهی بر سر مسائل بی‌اهمیت با یکدیگر مشاجره می‌کردیم ولی «فریدون» قلب مهربانی داشت و همواره زمانی که عصبانی می‌شدم، خودش را کنترل می‌کرد و نمی‌گذاشت مشاجره‌های لفظی شدت بگیرد. خلاصه روزگار خوبی را می‌گذراندم و صاحب یک دختر و پسر زیبا شده بودم ولی اعتماد به نفس پایینی داشتم و در برابر تقاضا و خواسته‌های دیگران هیچ‌گاه نمی‌توانستم کلمه «نه» را به کار ببرم. این بود که به پیشنهاد دوستانم که از دوران نوجوانی با یکدیگر صمیمی بودیم، مصرف تفننی تریاک را آغاز کردم و به طور پنهانی گاهی در کنار یکدیگر موادمخدر سنتی استعمال می‌کردیم تا این که ۱۰ سال قبل تنها برادرم در یک سانحه رانندگی جان سپرد و غم بزرگی بر دلم نشست. از آن روز به بعد دوستانم اطرافم را گرفتند و با بهانه‌های واهی مانند رهایی از غم و غصه، مرا تشویق به مصرف انواع دیگری از موادمخدر کردند. طولی نکشید که به یک معتاد حرفه‌ای تبدیل شدم و آرام آرام مصرفم را افزایش دادم. در این میان گاهی مجبور می‌شدم برای خرید موادمخدر به منزل ساقی (توزیع کننده موادمخدر) بروم که دو بار نیروهای انتظامی در آن ساعات شب به من مشکوک شدند، اما چون موادمخدر همراهم نبود، مرا آزاد کردند. از طرف دیگر، فرزندانم را با خودم می‌بردم تا کمتر مورد توجه قرار بگیرم. این در حالی بود که «فریدون» از اعتیاد من خبر نداشت، به همین دلیل از خرده فروش موادمخدر خواستم تا خودش موادرا به در منزلمان بیاورد. در همین روزها وقتی «فریدون» مرا در حال گفت‌وگو با فروشنده موادمخدر دید خیلی به من مشکوک شد، اما همه چیز را انکار می‌کردم. در این شرایط مجبور بودم دوباره خودم برای خرید موادمخدر بروم، اما آن جوان که از سرگذشت من آگاه بود و حتی می‌دانست به طور پنهانی از همسرم مواد مصرف می‌کنم، آرام آرام رفتارهایش تغییر کرد و با چشمانی هوس‌آلود نگاهم می‌کرد تا این که بالاخره درخواست غیراخلاقی‌اش را مطرح کرد. من که از پیشنهاد شرم‌آور او به شدت عصبانی شده بودم، با تندی و خشم پاسخش را دادم ولی او مرا تهدید کرد که ماجرا را برای همسرم بازگو می‌کند. از سوی دیگر مجبور بودم تا از او مواد بخرم چرا که فرد دیگری را نمی‌شناختم و از خماری هم می‌ترسیدم! دیگر چاره‌ای جز بیان حقیقت برایم باقی نمانده بود، به همین دلیل راز اعتیادم را برای فریدون بازگو کردم و از او خواستم به من کمک کند. فریدون هم اگر چه با شنیدن این ماجرا چهره‌اش به سرخی گرایید و از این که به او دروغ می‌گفتم به شدت آشفته شد، اما در نهایت مرا به یک مرکز ترک اعتیاد برد و با کمک همسرم بالاخره از مرداب مواد افیونی نجات یافتم و اکنون بیشتر از ۳ ماه است که هیچ نوع مخدری را استفاده نکرده‌ام ولی باز هم ساقی موادمخدر رهایم نمی‌کند و به تهدیدهایش ادامه می‌دهد که بلایی به سر فرزندانم می‌آورد که تا آخر عمر پشیمان شوم! و...

گزارش روزنامه خراسان حاکی است، در پی اظهارات این زن جوان و با دستور ویژه سرگرد «جواد یعقوبی» (رئیس کلانتری طبرسی شمالی) گروهی از افسران دایره مبارزه با موادمخدر عازم پاتوق فروشنده موادمخدر شدند و او را دستگیر کردند. این متهم در حالی با دستور مراجع قضایی روانه زندان شد که واکاوی‌های روان‌شناختی برای کمک به ترک اعتیاد زن جوان نیز در دایره مددکاری اجتماعی کلانتری ادامه یافت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

مناقصه عمومی دومرحله ای (آگهی شماره ۱۳/۱۰۰-۱۴۰۲)

- نام صنعت: صنایع شیمیایی شهدای اصفهان
- موضوع مناقصه: خرید تعدادی بال ولو
- الف-ضمانت شرکت در مناقصه: ضمانت یاد شده به یکی از روش‌های زیر قابل ارائه می‌باشد: ضمانت‌نامه بانکی یا چک تضمین‌شده بانکی معادل ۵٪ مبلغ کل پیشنهادی،چک صیادی و سفته هر کدام معادل ۵٪ مبلغ پیشنهادی (جمعا به میزان ۱۰٪ مبلغ پیشنهادی)
- ب-مهلت دریافت اسناد: تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۲۰
- ج-مهلت ارسال اسناد: تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۲۳
- محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه: اصفهان، زرین شهر،صنایع شیمیایی شهدای اصفهان، معاونت بازرگانی
- شماره تماس: ۰۳۱-۵۲۳۲۲۶۰۰ داخلی ۸۳۸۱۷-۸۳۸۱۸

شناسه:۱۴۹۳۸۴۷

صفحه‌آرایی واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد
layout@khorasannews.com ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

«آگهی مزایده عمومی فروش دو دستگاه خودروی مزدا دوکابین»
شرکت صنایع دامپروری ولبنی رضوی در نظر دارد دو دستگاه خودروی مزدا دوکابین مدل سال ۱۳۸۷-۱۳۸۶ خودرا از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.
لذا از متقاضیان دعوت به عمل می آید جهت دریافت فرم پیشنهاد قیمت شرکت در مزایده به صورت حضوری به آدرس: مشهد- کیلومتر ۵ جاده سرخس مزرعه نمونه آستان قدس رضوی کارخانه لبنی رضوی واحد فروش دامپروری مراجعه و پاکات پیشنهادی خود را حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۳۱ به آدرس فوق الذکر تحویل نمایند .
مدارک مورد نیاز شرکت در مزایده:
۱- پاکت الف) واریز مبلغ ۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به شماره حساب ۳۴۲۲۲۲۲۳۱۱ بانک ملت شعبه آستان قدس به نام شرکت دامپروری ولبنی رضوی(جهت دریافت شناسه پرداخت با داخلی ۲۶۸ تماس حاصل فرمائید).
۲- پاکت ب) تصویر کارت ملی اشخاص حقیقی و تصویر اظهارنامه ثبت شرکت، آخرین آگهی تغییرات شرکت و مجوز بهره برداری شرکت .
۳- پاکت ج) اصل فرم پیشنهاد قیمت.
- این شرکت در رد یا قبول پیشنهادات مختار می باشد.
- هزینه چاپ آگهی ها بعهده برنده مزایده می باشد .

جهت اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۱۲-۳۳۹۶۰۵۱۰-۰۵۱ داخلی ۳۲۲-۲۹۸ تماس حاصل فرمائید .
شرکت صنایع دامپروری ولبنی رضوی (سهامی خاص)
۱۴۰۲۰۵۲۱۳/ف

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده شرکت مجتمع های توریستی و رفاهی آبادگران ایران - کیش (سهامی عام) به شماره ثبت ۵۱۰ با شناسه ملی ۱۰۸۶۱۵۲۱۵۵۲
الف-زمان و محل برگزاری مجمع عمومی: با عنایت به مجوز افزایش سرمایه به شماره پیگیری ۱۰۰۸۷۲۳ با شماره مجوز DPM-IOP-۰۰۵-۰۲A مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۴ از کلیه سهامداران ، وکیل یا قائم مقام قانونی صاحب سهم و همچنین نماینده یا نمایندگان اشخاص حقوقی دعوت میگردد تا در جلسه مجمع عمومی این شرکت که در ساعت ۱۰:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۱ در محل دفتر شرکت واقع درجزیره کیش خیابان پروین اعتصامی هتل آبادگران ایران کیش تشکیل می شود حضور بهم رسانند .
ب-دستور جلسه: تصمیم گیری درخصوص افزایش سرمایه-سایر موارد
ج-نحوه دریافت برگ حضور در جلسه: از سهامداران محترم دعوت می شود به منظور اخذ برگ ورود به جلسه فقط در روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ از ساعت ۹ الی ۱۴ با در دست داشتن کارت ملی برای اشخاص حقیقی، و نیز جهت بررسی و استعلام وکالتنامه ها برای نمایندگان سهامداران و همچنین اصل معرفی نامه کتبی برای نمایندگان اشخاص حقوقی به دفتر مرکزی شرکت به نشانی جزیره کیش،خیابان پروین اعتصامی، هتل آبادگران ایران کیش واحد امور سهام شرکت مراجعه نمایند.
هیئت مدیره
۱۴۰۲۰۵۲۸۶/ه

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
۱- موضوع مناقصه: اداره کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان شمالی در نظر دارد مناقصه عمومی اجرای پروژه‌های نهضت ملی مسکن را، به شرح جدول ذیل، از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

ردیف	شماره مناقصه	مشخصات پروژه	مدت اجرا (ماه)	سطح زیربنای کل (مترمربع)	مبلغ برآورد (فهرست بهای ۱۴۰۲)	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)
۱	۰۱-۰۵-۰۲	اجرای اسکلت فلزی پروژه ۲۰۸ واحدی نهضت ملی مسکن قائم اسفراین (فاز ۲و۳و۳ بلوک از فاز ۴)	۶	۲۵۲۷۲	۱۰۷،۴۵۲،۹۳۳،۰۵۵	۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰
۲	۰۲-۰۵-۰۲	اجرای اسکلت فلزی پروژه ۲۰۸ واحدی نهضت ملی مسکن قائم اسفراین (فاز ۵و۶و۲ بلوک از فاز ۴)	۶	۲۵۲۷۲	۱۰۷،۴۵۲،۹۳۳،۰۵۵	۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰

۲- گواهی صلاحیت پیمانکاری: داشتن گواهی صلاحیت حداقل با **پایه ۵ رشته ابنیه و ساختمان**، با تاریخ معتبر ۳- تامین آهن آلات پروژه برابر قرارداد فیمابین بر عهده کارفرما می‌باشد.
۴- نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بر اساس آخرین آئین نامه معاملات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی می‌باشد. ۵- کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد(به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد . لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. ۶- تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۸ می‌باشد. ۷- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت : ساعت ۱۹ روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۲۵ *۸- مهلت ارائه پیشنهاد: ساعت ۸ صبح روز شنبه تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۶ *۹- زمان بازگشایی پاکت های ارزیابی مالی: ساعت ۹ صبح روز شنبه تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۶ *۱۰- هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود. *۱۱- اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکتهای الف: ۱۲- آدرس : بجنورد- خیابان طالقانی شرقی - کوچه مرتضوی- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان شمالی کد پستی :۹۴۱۴۷۸۴۹۵۶ و تلفن ۰۵۸-۳۲۲۴۱۷۸۸ *۱۳- اطلاعات تماس جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس۴۱۹۳۴- ۰۲۱ ، دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸-۰۲۱
روابط عمومی اداره کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان شمالی
۱۴۰۲۰۵۱۵۳/ه

نوبت دوم
شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان البرز (سهامی خاص)
فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی یک مرحله ای
خرید دریچه تقاضای شماره ۳۰۲۰۸۰۱۱۰۵ (تجدید مناقصه)
- شرکت گاز استان البرز در نظر دارد، مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی مناقصه به شماره نیاز در سامانه ستاد (۲۰۰۲۰۰۱۴۰۲۰۰۰۰۰۷) و شماره فراخوان پایگاه مناقصات (۵۳۱۴۳۳۶۰) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی(دولت) برگزار نماید.
- مبلغ برآورد اولیه: ۳۰،۹۳۰،۰۰۰،۰۰۰ریال
- مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار : مطابق آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ هـ تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ به مبلغ ۱،۵۴۶،۵۰۰،۰۰۰ ریال
- آخرین زمان مهلت دریافت اسناد توسط مناقصه گر در سایت: تا ساعت ۱۶ روز شنبه ۱۴۰۲/۰۲/۲۳
- آخرین زمان بارگذاری اسناد توسط مناقصه گر در سایت: تا ساعت ۱۶ روز یک‌شنبه ۰۷/ ۱۴۰۲/۰۳
- زمان بازگشایی پاکت‌ها (ازطریق سامانه ستاد)
- گشایش پاکت " الف ، ب ، ج" : ساعت ۱۲ روز یک‌شنبه تاریخ ۲۱/ ۱۴۰۲/۰۳
- شرایط مناقصه گر:
  1. ارائه تاییدیه وزارت نفت (تولید کننده / تامین کننده)
  2. تاییدیه سامانه توانیران در خصوص اقلام موضوع مناقصه توسط تولید کنندگان الزامی بوده و تامین کنندگان از تولید کنندگانی که در سامانه توانیران ثبت نام نموده اند می‌توانند نسبت به تامین کالا اقدام نمایند و تاییدیه سامانه توانیران مربوط به تولیدکننده مزبور را ارائه نمایند.
- آدرس: استان البرز، کرج ، میدان طالقانی ، بلوارتعاون ، خیابان فرهنگ ، روبروی تربیت ۶ ، شرکت گاز استان البرز ، امورپیمان‌ها

روابط عمومی شرکت گاز استان البرز
شناسه۱۴۹۱۱۴۴
۱۴۰۲۰۵۲۸۲/ه